

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.353585.3802>

Investigation and comparison of the social contexts of the economic development programs of Iran and Turkey

Abstract

The purpose of this study is to investigate and compare the following elements between Iran and Turkey within the time period of 1990 until now: - Social contexts of the economic development programs- Elements and principles of the economic development - Social and economic indicators of the development programs The research method used in this study is descriptive-analytical. Data collection was done via research and investigation through economic books, articles, magazines, newspapers and, scientific and legal databases on the Internet. Then the data analysis of gathered information was performed under the supervision of professors in sociology and economics. Our analysis shows that the social development trends in Turkey have been carried out under the influence of economic liberalization waves. Turkey's participation in the global economy has made it inevitable for the European Union to apply strategic restrictions on Turkey's structural approach. Localization of politics, religion and democracy can be considered as one of the indicators that has been formed during the second wave of political, social and economic development in Turkey. In Iran, various socio-economic development plans (first to sixth Comprehensive Development Plan) have been developed and implemented, which emphasize on education, healthcare, women's empowerment, public participation, economic liberalization, and comprehensive development of society and economics.

Keywords: social platforms, economic development plans, Iran, Turkey

ماهنامه علمی (مقاله علمی_ پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره ششم،
صص ۶۵۱-۶۱۸، شهریور، ۱۴۰۱

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.353585.3802>

مقایسه بسترهای اجتماعی برنامه های توسعه اقتصادی ایران و ترکیه

مرجان معصومی^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۴
علیرضا امینی^۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰
محمد حسن الهی منش^۳

چکیده:

هدف اصلی این مطالعه بررسی و مقایسه بسترهای اجتماعی برنامه های توسعه اقتصادی ایران و ترکیه طی سال های ۱۹۹۰ تا کنون، همچنین بررسی ارکان و اصول توسعه اقتصادی کشور ایران و ترکیه در چهار دهه اخیر و شناخت و تحلیل شاخص های اجتماعی و اقتصادی برنامه های توسعه اقتصادی ایران و ترکیه است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. در این رابطه، به منابع قابل دسترس در زمینه موضوع مطالعه مراجعه شده از طریق کتب، مقالات، اسناد و مدارک، و سایت های اینترنتی معتبر مطالب و اطلاعات لازم و مورد نیاز گردآوری شده. و با استناد به این مراجع و منابع موضوع اصلی تحقیقی تبیین شده؛ سپس تجزیه و تحلیل داده ها با استناد به پژوهش های صورت گرفته و با نظارت اساتید جامعه شناسی و امور اقتصادی صورت گرفته است. ابزار گردآوری داده ها به صورت فیش برداری از طریق تحقیق و تفحص در کتب و مقالات اقتصادی، مجلات، روزنامه ها، پایگاه های علمی و حقوقی شبکه جهانی اینترنت و مشاوره با اساتید بوده است. نتایج بدست آمده نشان می دهد روندهای توسعه اجتماعی ترکیه تحت تأثیر موج های آزادسازی اقتصادی انجام گرفته است. مشارکت ترکیه در اقتصاد جهانی زمینه لازم برای به کار گرفتن

^۱ دانشجوی دکتری گروه جامعه شناسی واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم،

ایران M_masoumi87@yahoo.com

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول) pzobdeh@yahoo.com

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران elahimanehm@yahoo.com

محدودیت های راهبردی از سوی اتحادیه اروپا در نگرش ساختاری ترکیه را اجتناب ناپذیر ساخته است. بومی سازی سیاست، دین و دموکراسی را می توان از شاخص هایی دانست که در موج دوم توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ترکیه شکل گرفته است. و در ایران از آغاز دهه ۱۹۹۰ تاکنون، برنامه های توسعه اجتماعی - اقتصادی مختلفی تحت عنوان برنامه اول، دوم تا ششم تدوین و اجرا شده است. در این برنامه های توسعه، به نقش آموزش، بهداشت و درمان، توانمندسازی زنان، مشارکت مردمی، آزاد سازی اقتصاد، و توسعه همه جانبه اجتماعی و اقتصادی تاکید شده است.

واژگان کلیدی: بسترهای اجتماعی، برنامه های توسعه اقتصادی، ایران، ترکیه

مقدمه

بحث توسعه و الگوهای مرتبط با آن و نیز نحوه تعامل دولت‌ها و جوامع گوناگون با مباحث و رهیافت‌های توسعه‌ای، از جمله مسائل چالش‌برانگیز در کشورها است. توسعه و مباحث مربوط به آن امروزه با سطوح و ساختارهای مختلف جوامع پیوند خورده است، به گونه‌ای که به مهم‌ترین معیار در شناخت و بررسی جوامع مختلف تبدیل شده است، بطوریکه هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان سراغ گرفت که در جست‌وجوی این هدف و در جهت مهیا نمودن زمینه‌های نیل به توسعه و پیشرفت نباشد.

علیرغم این هدف مشترک، آنچه باعث اختلاف در رتبه‌بندی کشورها از لحاظ توسعه یافتگی شده است، میزان التزام عملی جوامع گوناگون به الزامات و اقتضات توسعه یافتگی است. نیل به رشد و توسعه پایدار در یک جامعه نیازمند شرایط، اقتضات و لوازم گوناگونی است که از ابعاد انضمامی تاریخی و جغرافیایی شروع شده و تا مباحث عمیق متعلق به حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نیز شامل می‌شود.

از این روست که توسعه و مباحث مرتبط با آن بحثی به گستردگی و پیچیدگی کلیت جوامع انسانی است. توسعه اقتصادی حالتی است که در آن یک جامعه از پیشرفته‌ترین تکنولوژی در فعالیتهای اقتصادی خود بهره‌مییجوید. توسعه اقتصادی وسیله‌ای است برای دستیابی به رشد اقتصادی که در سایه افزایش محصول ملی سطح ارضای نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه یا رفاه اقتصادی افزایش نماید. توسعه اقتصادی رشد و تعالی مستمر اقتصادی یک جامعه برای رسیدن به یک رفاه فردی و اجتماعی است. این دگرگونی تنها از طریق تحولاتی شکل می‌گیرد که از بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه حاصل آمده باشد. از جمله شاخص‌های توسعه اقتصادی با سطح توسعه یافتگی می‌توان این موارد را برشمرد

الف. شاخص درآمد سرانه: از تقسیم درآمد ملی یک کشور تولید ناخالص داخلی (به جمعیت آن، درآمد سرانه بدست می‌آید. این شاخص ساده و قابل ارزیابی در کشورهای مختلف، معمولاً با سطح درآمد سرانه کشورهای پیشرفته مقایسه می‌شود. زمانی درآمد سرانه ۵۰۰۰ دلار در سال نشانگر توسعه یافتگی بوده است و زمانی دیگر حداقل درآمد سرانه ۱۰۰۰۰ دلار. البته لازم به ذکر است که هر ساله این مقادیر تغییر می‌کنند.

ب. شاخص برابری قدرت خرید (PPP): از آنجا که شاخص درآمد سرانه از قیمت‌های محلی کشورها محاسبه می‌گردد و معمولاً سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست، از شاخص برابری قدرت خرید استفاده می‌گردد. در این

روش، مقدار تولید کالاهای مختلف در هر کشور، در قیمت های جهانی آن کالاها ضرب شده و پس از انجام تعدیلات لازم، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه آنان محاسبه می گردد.

ج. شاخص در آمد پایدار: کوشش برای غلبه بر نارسایی های شاخص در آمد سرانه و توجه به توسعه پایدار" به جای توسعه اقتصادی"، به محاسبه شاخص درآمد پایدار منجر گردید. در این روش، هزینه های زیست محیطی که در جریان تولید و رشد اقتصادی ایجاد می گردد نیز در حسابهای ملی منظور گردیده و سپس میزان رشد و توسعه بدست می آید.

د. شاخص های ترکیبی توسعه: از اوایل دهه ۱۹۸۰، برخی از اقتصاددانان به جای تکیه بر یک شاخص انفرادی برای اندازه گیری و مقایسه توسعه اقتصادی بین کشورها، استفاده از شاخصهای ترکیبی را پیشنهاد نمودند. برای مثال، می توان به شاخص ترکیبی موزنی که مک گراناها (۱۹۷۳) بر مبنای ۱۸ شاخص اصلی (۷۳ زیر شاخص) محاسبه می نمود، اشاره کرد.

و. شاخص توسعه انسانی (HDI): این شاخص در سال ۱۹۹۱ توسط سازمان ملل متحد معرفی گردید که براساس این شاخصها محاسبه می گردد: درآمد سرانه واقعی (براساس روش شاخص برابری خرید) امید به زندگی در بدو تولد) و دسترسی به آموزش که تابعی از نرخ باسوادی بزرگسالان و میانگین سالهای به مدرسه رفتن افراد است. در تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دو کشور مسلمان ایران و ترکیه که در همسایگی یکدیگرند و فرهنگی نسبتاً مشابه دارند، تفاوت های چشمگیری دیده می شود و با وجود آنکه هر دو تحت تاثیر تحولات جهانی مشابه، چون روند آزاد سازی اقتصادی بوده اند، ولی راه های متفاوت را پیموده اند و اینک اقتصاد ترکیه در شرایطی مناسب در حال پیوستن به اتحادیه اروپا است. اما در مقابل اقتصاد ایران هنوز در بحث چگونگی آزاد سازی اقتصادی درگیر است.

برنامه ریزی برای توسعه در هر کشوری با توجه به نیازها و شرایط و مقتضیات آن کشور صورت می گیرد و ظرفیت ها و نیازهای هر کشوری نوع خاصی از برنامه ریزی های بلند مدت و کوتاه مدت را مشخص می کند. در ایران نیز استراتژی ها و برنامه هایی برای توسعه به صورت بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت تهیه شده است که برنامه های پنج ساله توسعه یکی از این دست برنامه ها می باشد. برنامه های پنج ساله توسعه در ایران تا به امروز در شش برنامه طراحی و اجرا شده است. سند برنامه اول توسعه در اواخر سال ۱۳۶۸ به تصویب مجلس رسید و همان سال به عنوان سال ابتدایی اجرای برنامه اعلام شد. هدفهای کلی این برنامه شامل بازسازی و تجهیز بنیه دفاعی، بازسازی و نوسازی ظرفیت های تولیدی و زیربنایی و مراکز جمعیتی خسارت دیده در طول جنگ تحمیلی، گسترش کمی و ارتقاء کیفی فرهنگ عمومی، ایجاد رشد اقتصادی، تأمین حداقل نیازهای اساسی آحاد مردم، تعیین و اصلاح الگوی مصرف، اصلاح سازمان و مدیریت اجرایی و قضایی کشور و مواردی دیگر

از این دست قرار داده شده بود. برنامه پنج ساله ششم توسعه مشتمل بر یکصدویست و چهارماده و یکصد و بیست و هشت تبصره در چهاردهم اسفندماه ۱۳۹۵ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۱/۱۲/۱۳۹۵ با اصلاحاتی از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید و در حال اجراست.

از سوی دیگر، توسعه اقتصادی ترکیه در چهار دهه اخیر یک توسعه وابسته و متکی به سرمایه گذاری خارجی، تکنولوژی خارجی و برنامه ریزی و مشارکت خارجیان در مدیریت اقتصادی کشور است. توسعه صنعتی و تجارتي این کشور بیش از همه متکی به واردات کالاهای نیم ساخته و صدور کالاهای مونتاژ شده، غالباً با نام و نشان کمپانی های بزرگی غربی و ژاپنی است. اقتصاد ترکیه تا حدی به تولید کالاهای مربوط به سرمایه گذاران و کمپانی های بازار خارجی متکی است که ارزش افزوده مانده برای ترکیه، نسبت به حجم صادرات این کشور پایین به نظر میرسد. بدین تعبیر اصولاً در توسعه ترکیه اندیشه خودکفایی و تولید به جای واردات کالا بی معنی است. البته ترکیه ترجیح می دهد سهم ارزش افزوده مربوط به تولید هر چه بیشتر افزایش یابد، اما در هر حال خودکفایی به مفهومی که در دهه شصت شعار توسعه کشورهای آمریکای لاتین تلقی می شد و هنوز هم در کشورهایی مثل ایران ارزش تلقی می شود در توسعه این کشور جایی ندارد و بی معنی تلقی می شود. تحولات اساسی اقتصادی ترکیه در دهه هشتاد اتفاق افتاده است و تا به امروز ادامه دارد که عبارتند از:

الف) نرخهای انعطاف پذیر ارز: نرخ تبدیل و برابر ی لیر ترک نسبت به ارزهای معتبر خارجی که به نظر می رسيد به شکل مصنوعی و با فشار دولت ترکیه تثبیت شده است؛ طی دهه هشتاد به کاهش های اساسی دست یافت. این تنزل ارزش لیر ترکی که تا حدود ۴۹ درصد، اولین گام در ثابت نگه داشتن نرخ تبدیل ارز بود (Bayar Alih ۱۹۹۶، ۷۷۸).

ب) اعمال سیاست ریاضت اقتصادی و تلاش در توسعه صادرات؛

ج) اصلاح شرکتهای دولتی و واگذاری آنها به بخش خصوصی؛

د) آزادسازی مالی و اعطای ترجیحات به صادرات.

ه) آزادسازی واردات؛ وتشویق سرمایه گذاری مستقیم خارجی.

بعد از سال ۱۹۸۴ نتایج اصلاحات در اقتصاد ترکیه خود را نشان داد. به تدریج سرمایه گذاری خصوصی بالا رفت، رشد واقعی GNP تسریع شد و رشد صادرات کالاها و خدمات ادامه یافت. اقتصاد ترکیه میان سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۱، ۷/۵ درصد رشد داشت. از ۱۹۸۶، پیشرفت هایی به منظور ثبات اقتصاد تورم زده ناشی از رشد تدریجی کسری بخش دولتی، صورت پذیرفت و در طول دوره ۱۹۹۲ - ۱۹۸۵ ترکیه توانست به نرخ رشدی در حد ۷

درصد دست یابد. در سال ۱۹۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص ملی ترکیه به منفی ۱/۶ رسید که بزرگترین افول تولید ناخالص ملی این کشور در طول سال های بعد از چند جهانی دوم بود. تا پایان این سال، دولت ترکیه با توجه به آثار تورمی بالا و نرخ بهره بر عملکرد اقتصادی ترکیه در ۲۵ سال گذشته تمرکز خود را متوجه برنامه اقتصادی با هدف آزادسازی کشور از تورم و ایجاد افق های رشد و شرایط بهتر زندگی برای بخشی از مردم ترکیه نمود و برای انجام این کار به سراغ صندوق بین المللی پول رفت. برنامه مذکور شامل سه اصل می شد: تمهیدات پولی، اصلاحات ساختاری و نرخ مبادله ارز ثابت.

تحت تأثیر این برنامه رشد تولید ناخالص ملی ترکیه در سال ۲۰۰۰ به ۵/۵ درصد رسید. با این حال بحران مالی سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ آسیب پذیری اقتصاد ترکیه و بویژه بخش بانکداری را افزایش داده و موجب بی ثباتی های جدید در بازارهای مالی شده است و با وجود اجرای برنامه های جدید برای تقویت اقتصاد، در سال ۲۰۰۱ تولید ناخالص ملی با کاهش ۹/۵ درصدی رو به رو شد.

به هر حال نگارنده در این مطالعه بر آن است که برنامه های توسعه اقتصادی ایران و ترکیه در چهار دهه اخیر را با رویکردی جامعه شناختی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. بنابراین اهداف این مطالعه بررسی و مقایسه بسترهای اجتماعی برنامه های توسعه اقتصادی ایران و ترکیه طی سال های ۱۹۹۰ تا کنون، همچنین بررسی ارکان و اصول توسعه اقتصادی کشور ایران و ترکیه در چهار دهه اخیر و شناخت و تحلیل شاخص های اجتماعی و اقتصادی برنامه های توسعه اقتصادی ایران و ترکیه است.

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است. در این رابطه، به منابع قابل دسترس در زمینه موضوع مطالعه مراجعه شده از طریق کتب، مقالات، اسناد و مدارک، و سایت های اینترنتی معتبر مطالب و اطلاعات لازم و مورد نیاز گردآوری شده. و با استناد به این مراجع و منابع موضوع اصلی تحقیقی تبیین شده؛ سپس تجزیه و تحلیل داده ها با استناد به پژوهش های صورت گرفته و با نظارت اساتید جامعه شناسی و امور اقتصادی صورت گرفته است. ابزار گردآوری داده ها به صورت فیش برداری از طریق تحقیق و تفحص در کتب و مقالات اقتصادی، مجلات، روزنامه ها، پایگاه های علمی و حقوقی شبکه جهانی اینترنت و مشاوره با اساتید بوده است.

سابقه و پیشینه تحقیق

الف- پیشینه داخلی

شجاعی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه خود با عنوان « بررسی نقش کارآفرینی اجتماعی بر توسعه فرهنگی و اقتصادی (مطالعه موردی: شهرک های صنعتی شهرکرد و بروجن در استان چهارمحال و بختیاری) » آورده اند که میزان برنامه های کارآفرینی اجتماعی در شهرکهای مورد بررسی متوسط و میزان متغیر توسعه یافتگی فرهنگی کمتر از متوسط است و نیز شاخص های توسعه اقتصادی و اجتماعی بیش از متوسط بود. کارآفرینی اجتماعی و شاخص توسعه اجتماعی به شکل مستقیم و همچنین غیر مستقیم و از طریق نقش میانجیگری توسعه فرهنگی بر رشد اقتصادی تأثیری مثبت داشتند. کارآفرینی اجتماعی نسبت به شاخص توسعه اجتماعی تقریباً تأثیر بیشتری بر توسعه اقتصادی و هنری داشت لذا مدیران مربوطه برای اجرای موفق برنامه های توسعه و رشد شهرک های صنعتی باید تمرکز بیشتری بر مقوله کارآفرینی اجتماعی داشته باشد.

شاه آبادی و دهقانی (۱۳۹۷). در مطالعه خود، تأثیر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی را در گروه کشورهای دی - ۸ بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که، بهبود محیط کسب و کار، بهبود کیفیت آموزش و رعایت حق ثبت اختراع با سرریز تحقیق و توسعه خارجی را از مهمترین عوامل مطرح در رشد اقتصادی، مطرح کردند. به عبارتی، این مطالعه از شاخص های مطرح شده در تحقیق حاضر، فقط شاخص آموزش را از شاخص های اصلی رشد اقتصادی، مطرح می کند.

عسگری و توحیدی نیا (۱۳۹۷). در مطالعه خود تحت عنوان سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی، سرمایه اجتماعی با شاخص های معنوی و مذهبی را از مهمترین عوامل اثر گذار بر رشد اقتصادی، معرفی می کند و عنوان می کند که بهبود این شاخص با ایجاد کاهش نابرابری و فقر، افزایش کارایی بازار، کاهش هزینه ها، افزایش کارایی سایر سرمایه ها، ایجاد نهادها و سازمانهای اقتصادی و بهبود عملکرد آنها، توسعه بازارهای مالی و افزایش سرمایه گذاری، افزایش اشتغال، افزایش معاملات و افزایش نوآوری و فناوری، می توان به بهبود رشد اقتصادی جوامع بینجامد.

مقدسی (۱۳۹۶) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی تطبیقی زمینه های اجتماعی-سیاسی توسعه اقتصادی در ایران و مالزی از دهه هشتاد میلادی به بعد» به بررسی و تحلیل جامعه شناختی ایران و مالزی پرداخته است. نگارنده در این پژوهش، از روش تاریخی - تطبیقی استفاده کرده است. محدود ه زمانی پژوهش، از دهه هشتاد میلادی به بعد را شامل شده و تکنیک جمع آوری داده ها، مراجعه منابع کتابخانه ای و حاصل کار نیز عبارت از تایید اعتبار فرضیات مطروحه با شواهد عینی و تاریخی بود. سؤال اصلی این

تحقیق عبارت از چستی زمینه های اجتماعی _ سیاسی موثر بر توسعه اقتصادی موفق تر مالزی در مقایسه با ایران از دهه هشتاد میلادی به بعد است. در همین راستا با تکیه بر ادبیات نظری موجود، برای یافتن پاسخ پرسش فوق الذکر، چهار فرضیه مکمل و مورد بررسی قرار گرفته است. براساس این فرضیات، عوامل موفقیت بیشتر مالزی در عرصه توسعه اقتصادی و در قیاس با ایران عبارت از ۱- وابستگی کمتر اقتصادی جامعه به دولت ۲ - فرهنگ سیاسی همسو با پیشرفت اقتصادی ۳- تعامل مناسبت تر با نظام جهانی و نهایتاً ۴ - اجماع نخبگان برای توسعه است.

کیاکجوری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی عوامل موثر بر کارآفرینی در توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه پرداختند نتایج نشان میدهد که منبا رشد و توسعه اقتصادی بر خلق فرصت های جدید کارآفرینی تاثیر مثبت و معناداری دارد. دیوسالار و بزرگی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی نقش کارآفرینی در رشد اقتصادی و توسعه پایدار در جامعه بین المللی پرداختند نتایج نشان داد که جایگاه کارآفرینی در رشد اقتصادی با توسعه اجتماعی رابطه مستقیمی دارد. پیرمحمدی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی عوامل موثر بر کارآفرینی اجتماعی و نقش آن در توسعه اقتصادی پرداختند با توجه به اینکه بسیاری از مسائل و آسیب های اجتماعی استان چهارمحال و بختیاری در بیکاری و عدم وجود فرصت های شغلی برای افراد جامعه است، توجه به مقوله کارآفرینی اجتماعی میتواند تا حد زیادی این آسیب ها را تحت الشعاع قرار داده و آنرا کاهش دهد؛ نتایج نشان میدهد که کارآفرینی تاثیر مثبت و مستقیمی بر کاهش بیکاری دارد.

کرمانی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی توانمندسازی مبتنی بر کارآفرینی اجتماعی و وضعیت زنان سرپرست خانوارهای فقیر در شهر تهران پرداختند نتایج نشان می دهد مدیریت تحول خواه، نیروی انسانی توانمند، ساختار سازمانی انعطاف پذیر، حاکمیت اخلاق حرفه ای و روحیه کارآفرینی مهم ترین شرط های لازم و موثر بر پدیده مذکور است همچنین، سه پیامد اصلی اشاره به توانمندسازی مقتصدانه، توانمندسازی فردی و توانمندسازی متقابل دارد.

مصلی نژاد و اکبری (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان «نقش دولت در توسعه اقتصادی ترکیه در سه دهه اخیر» به بررسی برنامه ها و طرح های اقتصادی ترکیه در دهه های گذشته پرداخته اند. رشد و توسعه اقتصادی پر شتاب در کشور ترکیه طی دهه های اخیر، سوالات جدی را در بین مردم، دولتمردان و نخبگان علمی و سیاسی، پیرامون چرایی و چگونگی توسعه اقتصادی در ترکیه مطرح کرده است. فرضیه این پژوهش این است که در کشور ترکیه طی سه دهه اخیر دولت توسعه گرا شکل گرفته و این دولت در هماهنگی با بخش خصوصی،

رشد و توسعه اقتصادی را برای این کشور به ارمغان آورده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در کشور ترکیه دولت توسعه‌گرا و کارآمد به وجود آمده است و این دولت در هماهنگی با بخش خصوصی توانسته است رشد و توسعه اقتصادی را برای کشور به ارمغان آورد. در ۱۹۸۳، زمانی که تورگوت اوزال به نخست‌وزیری رسید، در اقتصاد به شدت متمرکز ترکیه، اصلاحاتی ایجاد کرد و این کشور را در مسیر رشد و توسعه اقتصادی قرار داد. پس از او در دوران حزب عدالت و توسعه، اردوغان، سرمایه‌داری و اسلام را با هم در تضاد نمی‌دید. او به تبعیت از علایق اقتصادی مسلمانان طبقه متوسط که مهم‌ترین پشتیبان انتخاباتی حزب عدالت و توسعه هستند، اقتصاد کشور را باز و آزاد اعلام کرد و امروز توانسته است پایگاه اجتماعی و حمایتی خود در میان جامعه را توسعه بخشد. اکنون ترکیه، به شانزدهمین اقتصاد برتر جهان تبدیل شده است و رشد اقتصاد این کشور، سه برابر بیشتر از دیگر کشورهای اروپاست.

صالحی صدقیانی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی کارآفرینی اجتماعی با رویکرد مشخص رفتاری پرداخته است، نتایج نشان داد که از ۱۵ متغیر بررسی شده، ۶ متغیر نوآوری، باور به کارآفرینی، جست‌وجوی روش‌های جدید برای ایجاد سرمایه اجتماعی، شناسایی و شکار فرصت‌ها، جست‌وجوی فرصت‌های جدید و خلاقیت بالاترین رتبه را دارند. حسینی (۱۳۸۸) در مطالعه خود با عنوان «تامین اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی» آورده‌اند که رابطه علی بین مخارج تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی در اقتصاد ایران را در سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۸۲ از دیدگاه تجربی مورد بررسی قرار می‌دهد. در این مطالعه نشان داده شده است که برنامه‌های تامین اجتماعی از راه‌های گوناگونی مانند افزایش بهره‌وری، تامین سرمایه و تامین کار بر روی توسعه اقتصادی تاثیر می‌گذارند.

ب- پیشینه خارجی

کووی (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان نقش دولت در توسعه اقتصادی فراملی انجام داد. این تحقیق نقش دولت را در توسعه اقتصادی مناطق فرعی و با تأکید ویژه بر نقش دولت‌های فرعی مورد بررسی قرار داده است. این سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها را از ۶ حوزه فرعی در شش قاره در مراحل مختلف توسعه اقتصادی و نیز ادبیات مربوطه برای تهیه و پیشنهاد چارچوب سیاست توسعه اقتصادی فراملی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. این تحقیق بر فاکتورهای اصلی که در رشد اقتصادی و مزیت رقابتی پایدار نقش دارند، متمرکز است، زیرا رشد اقتصادی هدف اصلی سیاست توسعه اقتصادی است و مزیت رقابتی پایدار به عنوان وسیله‌ای برای تأمین رشد اقتصادی در درازمدت دیده می‌شود. چهار عامل اصلی رشد اقتصادی و مزیت رقابتی پایدار به عنوان "نوآوری"، "توسعه سرمایه"، "مؤسسات" و

"تجارت" تعریف می شوند. بر این اساس، تمرکز این تحقیق بر سیاستهای دولت ملی و فرعی است که تصور می شود تأثیر مثبت بر این چهار عامل دارد. برخی از چارچوبهای سیاستهای معاصر، تفکر مشابهی را اعمال می کنند، با این حال، آن ها عمدتاً نقش دولت های ملی را بدون در نظر گرفتن همه جانبه نقش دولت های فرعی، در نظر می گیرند. آن ها نقش هر دو دولت ملی و فرعی را در نظر می گیرند آن ها نقش دولت ملی و فرعی را در یک حوزه خاص از سیاست مانند سیاست نوآوری در نظر می گیرند. چارچوب ارائه شده توسط این تحقیق، بینشی در مورد نقش دولت های ملی و فرعی که به دنبال تولید رشد اقتصادی و مزیت رقابتی پایدار از طیف گسترده ای از عوامل هستند فراهم می کند.

گروویچ (۲۰۱۶) مقاله ای با عنوان محدودیت های نهادی و توسعه اقتصادی انجام داد این مقاله تلاشی برای یافتن پاسخی موجه به این سؤال است که چرا بسیاری از برنامه های توسعه اقتصادی در مقیاس بزرگ که از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ در روسیه کار شده اند، نتوانسته اند نتایج مورد انتظار را به دست آورند. برای این منظور، نویسنده اقتصاد روسیه از جمله تجزیه و تحلیل تطبیقی بر روی ۲۰ کشور در سطوح مشابه و با تجربه یکسان در توسعه و اجرای برنامه های اقتصادی را مورد مطالعه داده است. نویسنده نتیجه می گیرد که توسعه اقتصاد روسیه در حال حاضر با یک چارچوب سفت و سخت نهادی مانع شده است و بدون حذف آن به عنوان بخشی از روند سیاسی، رشد نمیتواند سرعت بگیرد. بر اساس تجزیه و تحلیل انواع مختلف اصلاحات نهادی، اقدامات خاصی ارائه شده است که می تواند پیشرفت تکاملی این کشور را تضمین کند و در صورت حفظ وضع موجود می تواند خطرات اقتصاد ی و اجتماعی تهدیدکننده روسیه را کاهش دهد.

فوسینی و کمپ (۲۰۱۵) مقاله ای با عنوان بررسی برنامه ریزی مکانی در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی غنا: چشم انداز توسعه پایدار انجام داد. این مطالعه مروری بر برنامه ریزی مکانی در زمینه مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی غنا دارد. برنامه ریزی مکانی از زمان حاکمیت استعمار در سیاستهای اقتصادی کشور یکپارچه بوده است. با این حال، نقش آن تحت الشعاع دامنه برنامه ریزی اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته است این مطالعه استدلال میکند که برنامه ریزی های پس از استقلال در مقایسه با برنامه های قبل از استقلال با موفقیت انجام نشده است زیرا تعداد زیادی از آن ها شامل رشد سریع شهری، کارکنان ناکافی، ظرفیت کم، عدم هماهنگی نهادی، دخالت سیاسی در برنامه ریزی، تصرف زمین می باشد. در نتیجه، مراکز شهری در غنا با مشکلاتی از قبیل شرایط نامساعد محیطی، زیرساخت ضعیف و ارائه خدمات و رشد کنترل نشده روبرو هستند؛ و این ها مربوط به توسعه پایدار شهری نیست. این مطالعه تلاش های جدیدی را برای تحول در برنامه ریزی با روحیه

توسعه پایدار از طریق چارچوب سیاست ملی شهری و یک لایحه پیشنهادی برای استفاده از اراضی و برنامه ریزی مکانی انجام داده است.

کانتیه مریدو (۲۰۱۳) مقاله ای با عنوان برنامه ریزی مشارکتی و برنامه توسعه اقتصادی محلی: یک مطالعه موردی در شمال شرقی هالکیدیکی انجام داد به منظور بررسی نظرات ساکنان محلی در مورد موضوعات مربوط به رشد اقتصادی منطقه و تأثیر آن بر محیط زیست، تحقیقات مربوطه در شمال شرقی هالکیدیکی با استفاده از پرسشنامه ساختاری انجام شد. نتایج تحقیق نشان می دهد که ساکنان آرزو می کنند که توسعه محلی بر روی گردشگری و دامداری متمرکز شود و دستگاههای دولتی را مسئول کاهش سطح محیط زیست بدانند. سرانجام، یک دیدگاه جالب دیگر معتقد است که رشد ابتدا باید بر اساس فعالیتهای معدن باشد. حامیان آن اطلاعات را از تلویزیون و بحث و گفتگو با محیط خانواده و دوستانشان جلب می کنند.

چارچوب نظری

اقتصاددانان از دیرباز به مطالعه و تحقیق در مورد عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی پرداخته اند که سیر تکاملی نتیجه تحقیقات آنها در قالب نظریات و مدل‌های رشد کلاسیکی نئوکلاسیکی و الگوهای رشد درونزا تقسیم می شود. بر اساس نظر هارود و دومار، موجودی سرمایه، مهمترین عامل در بهبود رشد اقتصادی، مطرح می شود، اندیشمندان دیگری مانند سولو و سوان، لوکاس، رومر و بارو، مدل‌های رشدی را مطرح کردند که در آنها عنوان شد که رشد یکنواخت به مجموعه ای از ساز و کارهای درونی اقتصاد نظیر توسعه سرمایه انسانی، ارتقای بهره وری، تحقیق و توسعه، هزینه های با کیفیت دولت در کنار سرمایه گذاری ها بستگی دارد که می توانند رشد اقتصادی مناسب تری را به ارمغان آورد. در سالهای اخیر، شاخص های بسیار دیگری از جمله شاخص اقتصادی مطرح می شوند. از جمله این شاخص های اثرگذار، شاخصهای توسعه اجتماعی می باشند. بارو و سالا مارتین از شاخص فرهنگی که مجموعی از نمادها، مفاهیم، عادات، ارزشها، نهادها و رفتارهاست، به عنوان شاخص توسعه اجتماعی استفاده کرده و تأثیر آن را بر فعالیات اقتصادی بررسی کردند (بارو^۴، ۲۰۲۲).

هاریسون و هانتینگتون در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که شاخص های توسعه اجتماعی روی رفتار اقتصادی انسان مانند مصرف، پس انداز و تأثیر گذاشته و به بهبود رشد اقتصادی می انجامند. در این تحقیق آنها شاخص های توسعه اجتماعی را به عوامل فرهنگی و جمعیت شناختی تقسیم کردند. برای نمونه ساختار جمعیتی را از فاکتورهای مهمی دانستند

⁴ Barro

که روی توزیع در آمد اثر می‌گذارد (هریسون^۵، ۲۰۲۰). بلوم و دیگران در بررسی تأثیر شاخص‌های جمعیتی (به عنوان شاخص توسعه اجتماعی). ، بر رشد اقتصادی، سه فرضیه مختلف را مورد بررسی قرار دادند: رشد جمعیت رشد اقتصادی را محدود می‌کند کاهش می‌دهد افزایش می‌دهد و به این منظور ساختار سنی جمعیت را مورد واکاوی قرار داد (بلوم^۶، ۲۰۲۱). در این مطالعه آنها مشاهده کردند که رفتار اقتصادی افراد در سنین مختلف زندگی متفاوت بوده و تأثیرات اقتصادی متفاوتی بر کشورها از خود بر جای می‌گذارد. این مطالعه نشان داد که کشورهایی که درصد بالایی از جمنان را کودکان و نوجوانان (گروه وابسته تشکیل می‌دهند، گرایش به استفاده بیشتر از منابع مراقبتی دارند و با رشد اقتصادی پایین تری مواجه می‌باشند و اگر درصد بالایی از جمعیت به گروه در سن کار معطوف باشد، کشور با رشد اقتصادی بیشتری مواجه می‌شود.

بعلاوه بلوم و دیگران، سه تا از مکانیسم‌های اصلی ساختار جمعیتی را که شامل عرضه نیروی کار، پس انداز و سرمایه انسانی است را به مطالعه خود اضافه کرد. گایسو و دیگران از شاخص‌های توسعه اجتماعی عقاید فرهنگی، اخلاق، مذهب و گروه‌های اجتماعی استفاده کرده و تأثیر آن را بر اقتصاد جوامع مورد واکاوی قرار دادند (گایسو^۷، ۲۰۱۸).

بیردسال، تصمیم به پس انداز و میزان آن را از شاخص‌های اصلی فرهنگی - اجتماعی معرفی کرده و تأثیر آن بر اقتصاد را مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله همچنین، مذهب مردم به عنوان فاکتوری که حمایت‌کننده افراد و بچه‌هایشان در پس انداز است، مطرح شده است (بیردسال^۸، ۲۰۲۱). گائو، شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی را به سه دسته اخلاق، مذهب و زبان تقسیم کرد و این واقعیت را مطرح کرد که، اخلاق به عنوان یک شاخص اصلی توسعه اجتماعی از شاخص‌های تأثیرگذار در رفتارهای اقتصادی است، زبان از عوامل مؤثر در ارتباطات است و مذهب می‌تواند دیدی قوی نسبت به شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی ایجاد کنند، برای نمونه از آنجاییکه زبان بین المللی زبان انگلیسی می‌باشد تجاری که مسلط به این زبان هستند موفق تر عمل نموده و منجر به اقتصاد پویاتری برای کشورشان می‌شوند. گروهی دیگر از مطالعات، سرمایه اجتماعی را یکی دیگر از شاخص‌های توسعه اجتماعی). ، از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی معرفی می‌کنند. برای نمونه پونام و نارایان و پریچت، معتقد است که جوامعی با سطح سرمایه اجتماعی بالاتر،

⁵ Harrison

⁶ Bloom

⁷ Guiso

⁸ Birdsall

توسعه اقتصادی را سریعتر تجربه می کنند(نارایان و پریچف^۹، ۲۰۱۷). کیلپاتریک(۲۰۲۰).، یا سرمایه اجتماعی به صورت ارتباط با دیگران را از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی، معرفی می کنند(کیلپاتریک^{۱۰}، ۲۰۲۲). وودیری(۲۰۱۸). در مطالعه خود که در غرب انجام داد، سرمایه اجتماعی(درا شکل گرایش های مذهبی و خیرخواهانه). را از عوامل رفاه و توسعه اقتصادی مطرح می کند.

نقش بستر اجتماعی بر برنامه های توسعه اقتصادی ایران

بطور کلی از آغاز دهه ۱۹۹۰ تاکنون، برنامه های توسعه اقتصادی مختلفی تحت عنوان برنامه اول، دوم و ... در ایران تدوین و اجرا شده است که در ادامه به معرفی آنها پرداخته می شود.

بستر اجتماعی برنامه اول توسعه اقتصادی ایران(۱۹۹۰-۱۹۹۴)

در آغاز دهه ۱۹۹۰، اجرای قانون برنامه اول توسعه اقتصادی ایران، آغاز گردید. این برنامه که به عنوان برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و ... معروف شده است، تمامی ابعاد توسعه اقتصادی را در نظر گرفته است. در اوایل دهه ۱۹۹۰، سازمان ملل گزارش توسعه ای را با رویکرد به توسعه انسانی منتشر کرد و از اواسط این دهه، به ویژه در پی صدور بیانیه آمستردام، مؤلفه های مربوط به توسعه اجتماعی نظیر سرمایه اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت و... نیز به ادبیات توسعه راه یافت و به تعبیری در سلسله مراتب اهداف توسعه، تغییراتی اساسی حاصل گردید و با تأکید سازمان ملل، بهزیستی اجتماعی و کیفیت زندگی در رأس اهداف توسعه قرار گرفت(امیدی، ۱: ۱۳۹۱). این تغییر پارادایمی با تعیین اهداف توسعه جهانی بوجود آورد و موجب شد اکثر کشورها از آن الگو بگیرند. در ایران نیز برنامه های تدوین شده توسعه اقتصادی بر روی عوامل مختلف اجتماعی تأکید داشته اند. از حیث تطابق با اسناد جهانی این برنامه تا حد زیادی تحت تأثیر بیانیه آلماتا و رویکرد بهداشت برای همه بود. از حیث جامعیت این برنامه در بخش سلامت از جامعیت کافی برخوردار نبوده و بیشتر توسعه فیزیکی مد نظر بود. به لحاظ اجرایی بودن نیز تا حد زیادی این برنامه اجرایی و عملیاتی دیده شده بود.

جدول ۱: مولفه های بستر اجتماعی برنامه اول توسعه اقتصادی(منبع: نگارنده)

مولفه اجتماعی	نقش آن در توسعه اقتصادی
توسعه منابع انسانی	توسعه منابع انسانی موجب توسعه اقتصادی می شود.

⁹ Narayan, Pritchett

¹⁰ Killpatrick

همبستگی اجتماعی	همبستگی اجتماعی موجب مشارکت بیشتر مردم در امور مختلف و پیشرفت منظم و مناسب طرح های مختلف می شود.
مشارکت	مشارکت مردم در امور مختلف موجب تثبیت جایگاه کشور در عرصه بین المللی و جذب سرمایه گذاری خارجی کی شود.
سلامت	ارتقا سلامت موجب کاهش هزینه های درمان می شود.
آموزش و تحصیل	آموزش کارکنان دولتی و کارگران صنعتی موجب ارتقا بهره وری آنان می شود.
توزیع مناسب امکانات اجتماعی	توزیع مناسب امکانات اجتماعی موجب دسترسی عادلانه به این امکانات و افزایش مشارکت و رضایتمندی افراد جامعه می شود.
بهبودی اجتماعی	بهبودی اجتماعی موجب نشاط و رضایتمندی عمومی و در نتیجه ارتقا بهره وری نیروی انسانی می شود.
کیفیت زندگی	ارتقا کیفیت زندگی موجب افزایش رضایتمندی عمومی می شود.

بستر اجتماعی برنامه دوم توسعه اقتصادی ایران (۱۹۹۵-۱۹۹۹)

پس از موفقیت های نسبی در اجرای برنامه پنجساله اول در مورد رشد اقتصادی، اجتماعی برنامه ی پنجساله دوم به تصویب رسید و در آن، میزان رشد و توسعه اقتصادی ایران در پنج ساله دوم معادل ۵/۱ درصد پیش بینی شده بود. یکی از مولفه های اساسی اجتماعی مد نظر در برنامه دوم توسعه ایران، لحاظ کردن بحث مشارکت مردم می باشد. در این برنامه مقرر شده است که مردم در بحث تامین مالی برنامه های مختلف از جمله برنامه های اجتماعی مانند تامین آب شرب، احداث اماکن فرهنگی-اجتماعی مانند غسالخانه، کشتارگاه دام، ابزار و اماکن و تاسیسات بهداشتی و همچنین توسعه معابر مشارکت داشته باشند (امیدی، ۷: ۱۳۹۱). یکی دیگر از مولفه های اجتماعی برجسته در برنامه دوم توسعه اقتصادی، بحث آموزش و در راستای آن تجهیز مراکز آموزش، تهیه کتاب و وسایل تحصیل، اعزام فارغ التحصیلان به خارج و با سواد کردن کارگران شاغل در کارخانجات می باشد که نهایتاً به افزایش بهره وری و توسعه اقتصادی در بخش های مختلف مانند صنعت منجر می شود.

جدول ۲: مولفه های بستر اجتماعی برنامه دوم توسعه اقتصادی

مولفه اجتماعی	نقش آن در توسعه اقتصادی
آموزش	آموزش کارمندان و کارگران صنعتی موجب ارتقا بهره وری آنان می شود.

مشارکت اجتماعی	افزایش مشارکت اجتماعی مردم در حوزه های مختلف موجب توسعه می شود.
بهداشت	ارتقا وضعیت بهداشتی موجب کاهش هزینه های درمانی می شود.
جامعه روستایی	توجه به جامعه روستایی موجب شکل گیری اقتصادهای خرد می شود که نقش بسزایی در توسعه اقتصادی کشور دارد.
مهاجرت	مهاجرت از روستاها به شهرها موجب از بین رفتن مشاغل خرد و کاهش درآمد می شود.
ساماندهی عشایر	ساماندهی عشایر موجب رغبت بیشتر این قشر می شود و تولید آنان نیز افزایش می یابد.

بستر اجتماعی برنامه سوم توسعه اقتصادی اسلامی ایران (۲۰۰۴-۲۰۰۰)

در این دوره، استفاده از تجارب دو دوره گذشته بسیار کمک کننده بوده و به همین دلیل انتظار می رفت کشور با توسعه اقتصادی مناسبی همراه باشد. از مهم ترین جهت گیری برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و ... کشور، می توان به اصلاحات نظام های اجتماعی، ساختارهای نظام مند و افزایش کارایی نهادهای ذیربط و همچنین افزایش بهره وری منابع ملی و تقویت بخش غیردولتی اشاره نمود. بستر اجتماعی برنامه های توسعه اقتصادی کشور در دوره پنجساله سوم، با مشکلات عدیده ای مواجه بوده است که از مهم ترین آنها می توان به تغییرات جمعیتی کشور، فرار سرمایه های مالی و انسانی، کمبود فرصت های شغلی مولد و ... اشاره نمود. یکی از راهکارهای فائق آمدن بر این مشکلات و فراهم آوردن بستر اجتماعی مناسب، افزایش سرمایه گذاری خارجی و کاهش مالکیت دولت بر منابع اقتصادی می باشد. افزایش و یا به عبارت دیگر انفجار جمعیت کشور در طی سال های برنامه سوم توسعه اقتصادی، بسیاری از پیش بینی های موجود را با چالش مواجه کرد. انفجار جمعیت طبیعتاً با کمبود فرصت های شغلی و افزایش بیکاری همراه است و بنابراین یکی از مهم ترین فاکتورهای اجتماعی در این دوره جهت توسعه اقتصادی، ایجاد فرصت های شغلی جدید و آموزش نیروی انسانی برای پذیرفتن مشاغل مختلف می باشد.

جدول ۳: مولفه های بستر اجتماعی برنامه سوم توسعه اقتصادی (منبع: نگارنده)

مؤلفه اجتماعی	نقش آن در توسعه اقتصادی
کمبود فرصت شغلی مولد	کمبود فرصت شغلی مولد موجب کاهش برخی درآمدهای حیاتی مانند درآمدهای مالیاتی می شود.
افزایش بیکاری به دلیل	افزایش بیکاری موجب کاهش فرصت های شغل، کاهش

انفجار جمعیت	سرمایه‌در گردش مردم، کاهش قدرت خرید و در نتیجه رکود در بازر می شود.
فرار سرمایه های انسانی و مالی	فرار سرمایه های انسانی و مالی به خارج از کشور موجب کاهش سرمایه و در نتیجه درآمدهای داخلی می شود.
تغییرات جمعیتی کشور	تغییرات جمعیتی کشور موجب افزایش بیکاری و در نتیجه کاهش قدرت خرید و رکورد در بازار می شود.
آموزش و تحصیل	آموزش کارمندان و کارگران صنعتی موجب ارتقا بهره وری آنان می شود.
ساختار اجتماعی نهادهای دولتی و غیردولتی	توسعه نهادهای اجتماعی و غیردولتی موجب توسعه اقتصادی می شود.

بستر اجتماعی برنامه چهارم توسعه اقتصادی ایران

برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) نخستین قانون برنامه ای است که مبتنی بر یک برنامه درازمدت، یعنی بر پایه سند چشم انداز بیست ساله، تنظیم شده است. سه برنامه اول، دوم و سوم حداکثر به یک دایره زمانی پنج ساله محدود میشد؛ اما با توجه به راهبرد دراز مدت تر سند چشم انداز بیست ساله، برنامه چهارم توسعه، با تأسی از بند ۱۴ سند، به مسائل زنان پرداخته است. در بند ۱۴ سند، بر استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان تأکید شده و برای نیل به آن، تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در خانواده و در صحنه سیاسی - اجتماعی و نقش سازنده آن مورد توجه قرار گرفته است (محمدپور، ۱۲: ۱۳۹۰).

همچنین برنامه چهارم توسعه به رشد اقتصادی دانایی محور تأکید دارد و به همین دلیل امر آموزش را بسیار مورد تأکید قرار داده است. به عنوان مثال در این برنامه بر عواملی مانند توسعه کمی و کیفی آموزش، افزایش ضریب دسترسی به فرصت های برابر آموزش عالی، فراهم کردن امکان مناسب برای رفع محرومیت آموزشی و کاهش فاصله سطح دانش و مهارت نیروی کار تأکید شده است.

جدول ۴: مولفه های بستر اجتماعی برنامه چهارم توسعه اقتصادی (منبع: نگارنده)

مولفه اجتماعی	نقش آن در توسعه اقتصادی
توسعه مشارکت	توسعه مشارکت موجب افزایش و بهره وری منابع انسانی می شود که یکی از عوامل اصلی توسعه اقتصادی می باشد.
عضویت در نهادهای اجتماعی	نهادهای اجتماعی دارای فعالیت های گسترده ای می باشند و طبیعتاً توسعه این نهادها موجب توسعه همه جانبه کشور از

مسائل زنان	جمله توسعه اقتصادی می شود.
تقویت نهاد خانواده	ورود زنان به فعالیت های اجتماعی و اقتصادی موجب افزایش و بهره وری نیروی انسانی می شود.
توانمندسازی سه دهک پایین	تقویت نهاد خانواده موجب کاهش آسیب های اجتماعی و در نتیجه کاهش هزینه های مربوطه می گردد.
ارتقا رضایتمندی عمومی	توانمندسازی دهک های پایین اجتماعی موجب ورود آنها به فعالیت های اجتماعی و اقتصادی می شود.
مسکن افراد بی بضاعت	ارتقا رضایتمندی موجب افزایش حس مسئولیت پذیری اجتماعی و تلاش در جهت توسعه کشور می شود.
مستمری خانواده های بی بضاعت	تدوین برنامه های مسکن موجب اشتغالزایی می شود.
دستیابی به فرصت های شغلی مناسب	خانواده های بی بضاعت در صورت دریافت مستمری کافی، از آسیب های اجتماعی خود می کاهند.
	دستیابی به فرصت های درآمدی مهم کشور مانند درآمدهای مالیاتی می شود.

بستر اجتماعی برنامه پنجم توسعه اقتصادی ایران

در برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴) بسیاری از بندهای مربوط به زنان با تأکید بر تحکیم نهاد خانواده تدوین شد. خلاصه اهداف برنامه پنجم درخصوص زنان در ماده ۲۳۰ این برنامه به خوبی مشخص است. تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در همه زمینه ها با تدوین و تصویب « برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده » مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقای سلامت، توسعه توانایی های سازمانهای مردم نهاد، ارتقای توانمندی های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده (شادی طلب، ۲: ۱۳۹۱). یکی دیگر از مولفه های اجتماعی موثر بر توسعه اقتصادی که در برنامه پنجم توسعه مورد تأکید قرار گرفته است، بحث آموزش است که در این برنامه دچار دگرگونی های بسیاری شده است. در این برنامه، محتوای درسی به ویژه محتوای تدریس شده در سطح

آموزش عالی دچار تغییرات اساسی شد. همچنین فراهم کردن فرصت های جدید تحصیلی مانند آموزش از راه دور و آموزش از طریق رسانه نیز در این برنامه تدوین گردید. جدول 5: مولفه های بستر اجتماعی برنامه پنجم توسعه اقتصادی (منبع: نگارنده)

مؤلفه اجتماعی	نقش آن در توسعه اقتصادی
تحکیم بنیان خانواده	تحکیم بنیان خانواده موجب پیشگیری از آسیب های اجتماعی مانند اعتیاد می شود و این امر نهایتاً موجب کاهش هزینه های مربوطه می شود.
معیشت خانواده	معیشت خانواده تاثیر مستقیمی بر توسعه اقتصادی دار، زیرا خانواده به عنوان مصرف کننده نهایی می تواند سهم بسزایی در بازار داشته باشد.
پیشگیری از آسیب های اجتماعی	پیشگیری از آسیب های اجتماعی موجب افزایش منابع انسانی و در نتیجه بهره وری در این حوزه می شود.
تامین اجتماعی	تامین اجتماعی به عنوان پشتوانه مالی مردم می تواند سرمایه های بیمه ای بسیاری جذب کرده و خدمات متقابل ارایه نماید. به دلیل حجم بالای متقاضیان تامین اجتماعی، این امر نقش مهمی در توسعه اقتصادی دارد.
اوقات فراغت	برنامه ریزی مناسب برای اوقات فراغت می تواند موجب استفاده بهینه از این اوقات شود. به عنوان مثال ترویج کتابخوانی در اوقات فراغت موجب ارتقا سطح دانش افراد می شود.
پژوهش	پژوهش موجب شناسایی نقاط ضعف و قوت فعالیت های توسعه ای می شود و با حذف نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت می توان گام مهمی در راستای توسعه اقتصادی برداشت.
گسترش فرهنگ عفاف و حجاب	گسترش فرهنگ حجاب موجب کاهش بی بند و باری و ارتقای مقید بودن به خانواده می شود.
ارتقای سلامت	ارتقای سلامت موجب کاهش هزینه های درمانی و سرمایه گذاری هزینه ها در اقتصاد مولد می شود.
استفاده از زنان مدیر و نخبه	استفاده از زنان مدیر و نخبه موجب بهبود کیفیت منابع انسانی می شود که سهم بسزایی در توسعه اقتصادی دارد.
توسعه تعاملات بین المللی	توسعه تعاملات بین المللی موجب جذب سرمایه خارجی و

توسعه اقتصادی می شود.	
تعمیق باورهای دینی اقتصادی مانند ربا، ارتشا و .. می شود.	تعمیق باورهای دینی
بیمه زنان و مشاغل آزاد موجب تعهد کاری آنان شده که یکی از مولفه های مهم در توسعه اقتصادی است.	بیمه زنان و مشاغل آزاد
هدفمندی سازی یارانه های انرژی موجب بهره مندی عادلانه تمامی افراد جامعه از این یارانه ها می شود.	هدفمندی سازی یارانه های انرژی
تقویت شوراهای شهری و روستایی موجب توسعه و آبادانی روستا و شهر شده که یکی از پیش نیازهای توسعه اقتصادی می باشد.	تقویت شوراهای شهری و روستایی
آموزش صحیح موجب ارتقا بهره وری کارمندان و کارگران صنعتی می شود.	آموزش

بستر اجتماعی برنامه ششم توسعه اقتصادی ایران

برنامه ششم (۱۳۹۶-۱۴۰۰) دو ماده قانونی حمایت و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار را در دستور کار خود قرار داده است. نخست در ماده شماره ۲ توانمندسازی محرومان و فقرا (با اولویت زنان سرپرست خانوار) در زمره مسائل محوری توسعه ششم قلمداد کرده و بند «ت ماده ۸۰» تهیه و اجرای کامل طرح جامع توانمندسازی زنان سرپرست خانوار را در دستور کار خود قرار داده است. راهبردهای افزایش و توسعه فرصت های شغلی و اقتصادی برای بانوان و همچنین توانمندسازی آنان برای حضور در عرصه های اقتصادی که در این سند با عنوان «عدالت اقتصادی» مطرح شده است می تواند گام بلندی در راستای توسعه اقتصادی کشور باشد. در واقع عدالت جنسیتی در برنامه ششم که تاثیر بسزایی نیز بر توسعه اقتصادی دارد در شکل زیر مشخص شده است. برنامه ششم توسعه نیز بسترهای اجتماعی را جدی گرفته است و بر روی آن تاکید نموده است. در متن این برنامه، مولفه های اجتماعی مختلف مانند مشارکت نمود دارند و مشارکت مردم در کلیه امور جاری مملکت بر پایه دموکراسی مورد تاکید قرار گرفته است (امیدی، ۱۹: ۱۳۹۱).

جدول ۶: مولفه های بستر اجتماعی برنامه ششم توسعه اقتصادی (منبع: نگارنده)

مؤلفه اجتماعی	نقش آن در توسعه اقتصادی
جایگاه اجتماعی زنان	ورود زنان به فعالیت های اجتماعی باعث افزایش بهره وری نیروی انسانی و در نهایت توسعه اقتصاد می شود.

آموزش	آموزش کارمندان و کارگران صنعتی موجب بهره وری فعالیت های آنان و در نهایت توسعه اقتصادی می شود.
بهداشت	توجه به مسائل بهداشتی به ویژه در جوامع روستایی و عشایر موجب کاهش هزینه های درمانی، افزایش توانمندی نیروی انسانی و در نهایت توسعه اقتصادی می شود.
دسترسی عادلانه به منابع	دسترسی عادلانه به منابع موجب حذف انحصار طلبی و شکوفایی استعدادهاى مختلف شده و در نهایت به توسعه اقتصادی می انجامد.
بیمه سلامت	بیمه سلامت موجب کاهش هزینه های درمانی افراد شده و منابع مالی خانواده ها در چرخه اقتصاد قرار گرفته و موجب توسعه اقتصادی می شود.
منابع فردی و اجتماعی	منابع فردی و اجتماعی مناسب موجب بهره وری و توانمند سازی منابع انسانی و در نهایت توسعه اقتصاد می شود.
هنجارها	وجود هنجارهای اجتماعی مناسب در جامعه موجب افزایش نظم عمومی و در نتیجه افزایش در راندمان تولید، توزیع، خدمات و... می شود.
نهادهای اجتماعی	نهادهای اجتماعی دارای فعالیت های مختلفی از جمله تامین نیازهای نیازمندان، آموزش های کوتاه مدت، حمایت های مالی و .. می باشند که همگی به توسعه اقتصاد کمک می کنند.
مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی افراد جامعه موجب تثبیت جایگاه کشور در عرصه بین الملل و جذب سرمایه خارجی می شود.
فرصت های شغلی	فرصت های شغلی مناسب نه تنها موجب کاهش بیکاری شده بلکه موجب می شود تا برخی درآمدهای حیاتی مانند درآمدهای مالیاتی افزایش یابد.
اصلاح نظام حقوقی	اصلاح برخی نظام های حقوقی مانند نظام مالیاتی موجب افزایش درآمد و توسعه اقتصادی می شود.

زمینه های توسعه اجتماعی و اقتصادی در ترکیه

موج اول لیبرالیزه سازی اقتصاد ترکیه مربوط به سال های ریاست جمهوری تورگوت اوزال است. او توانست شکل جدیدی از همکاری های نهادی با اتحادیه اروپا را سازماندهی کند. ترکیه در سالهای دهه ۱۹۹۰ و در چارچوب نشست های شورای کپنهاگ توانست با ضرورت های اقتصادی و راهبردی اتحادیه اروپا خود را هماهنگ سازد. در این دوران موضوع های همانند ثبات نهادهای اجتماعی، حمایت از قواعد دموکراتیک، حکومت قانون، حقوق بشر، پشتیبانی از حقوق اقلیتها، کارآمدی اقتصاد بازار و ایجاد ظرفیت هم تراز با نیروهای رقابتی بازار در درون اتحادیه اروپا را می توان در زمره نشانگان و شاخص هایی دانست که شکل بندی های اقتصاد سیاسی و تحول اجتماعی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه را امکان پذیر می سازد (یاووز، ۱۳۹۹: ۸۹).

موج دوم لیبرالیزه سازی اقتصاد ترکیه در شکل بندی اقتصاد سیاسی و زندگی اجتماعی مردم آثار مثبتی به جا گذاشت. در این دوران، حزب عدالت و توسعه در هدف بنیادین را برای بهینه سازی ساختار اقتصادی در دستور کار قرار داد. موضوع هایی از جمله رشد واقعی تولید ناخالص داخلی و ثبات قیمت ها را باید به عنوان اولین هدف بنیادین دولت ترکیه دانست. هدف دوم مربوط به متنوع سازی منابع اقتصادی و فرایند معطوف به سرمایه گذاری خارجی است (ساجز^{۱۱}، ۲۰۱۴: ۷۴).

واقعیت های تحول در اقتصاد توسعه و جامعه شناسی توسعه ترکیه را می توان تابعی از قواعد نهادهای بین المللی از جمله «اتحادیه اروپا»، «کنفرانس همکاری و امنیت اروپا» و در نهایت موازین کپنهاگ، دانست. هر یک از این نهادها نقش هم تکمیلی با یکدیگر داشتند و توانستند زمینه های گسترش استحکام اجتماعی و اقتصادی ترکیه برای گذار از حکومت نظامیان را به وجود آورند. اصلاحات سیاسی ترکیه تحت تأثیر بازنگری در قواعد حقوقی انجام گرفته است. این موضوع روابط دولت، جامعه، نخبگان، احزاب سیاسی و نهادهای نهفته اجتماعی را باز تولید کرد (احمدی لقور کی، ۱۳۹۷: ۶۵).

ظهور گروه های اسلام گرا در ترکیه با ضرورت های موج دوم اقتصاد نئولیبرال پیوند یافته است. نقش یابی گروههای اسلام گرا را باید انعکاس شرایطی دانست که تابعی از فراگردهای در حال پیشرفت آزادسازی، ایجاد فضای رقابت سیاسی، توانمندسازی فزاینده بورژوازی، شکل گیری جنبش های اجتماعی نیمه دموکراتیک و نقش یابی روشنفکران در سپهر عمومی محسوب می شود. هر یک از این مؤلفه ها زمینه های تحول اجتماعی، تغییر

¹¹ Sachs

ساختاری و دگرگونی های مربوط به جامعه شناسی توسعه ترکیه را تحت تأثیر موجهای بین المللی ارتقا داده است (کارداس^{۱۲}، ۲۰۲۲: ۱۳۸).

روند تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ترکیه بیانگر این واقعیت است که موج دوم لیبرالیزه سازی اقتصاد ترکیه تحت تأثیر مؤلفه های اجتماعی، رقابت گروه های سیاسی و ضرورت های بین المللی انجام گرفته است. اتحادیه اروپا در چارچوب «موازین کپنهاگ» توانست نسل جدیدی را در ساختار اجتماعی و اقتصادی ترکیه ایجاد کند. اندیشه های تحول اجتماعی بر اساس ضرورت های اقتصادی را می توان به عنوان رویکرد بنیادین «اتحادیه اروپا» و «سازمان همکاری و امنیت اروپا» دانست. چنین رویکردی از سالهای آغازین دهه ۱۹۹۰ شروع شده و آثار خود را در ظهور موج دوم لیبرالیزه سازی اقتصاد و جامعه ترکیه از سال ۲۰۰۲ به وجود آورده است.

نقش ساختار نظام بین الملل در فرایند توسعه اجتماعی و اقتصادی ترکیه

در دورانی که کشورهای در حال توسعه از آمریکای شمالی تا اوراسیا و شرق آسیا با بحران مالی روبه رو بودند، زمینه برای انتقال سرمایه خارجی به ترکیه به وجود آمد. جذب سرمایه خارجی در ترکیه دهه ۱۹۹۰ را می توان پاسخی به نیازهای بازار مالی و کنترل تورم دانست. در چنین شرایطی اقتصاد ترکیه با نشانه هایی از اقتصاد مالی محور^{۱۳} همراه شد. اقتصاد مالی این ویژگی را داشت که ترکیه را با نهادهای مالی بین المللی از جمله صندوق بین المللی پول و بانک جهانی پیوند بیشتری داد (تلی و دیگران^{۱۳}، ۲۰۱۸: ۷۱). از سوی دیگر، چنین فرایندی مشکلات اقتصادی جدیدی را در روابط ترکیه با اتحادیه اروپا به وجود آورد، هر یک از چنین اقداماتی را باید به عنوان بخشی از چالش های درون ساختاری ترکیه در روند پیوند با اقتصاد نئولیبرالی دانست، علت اصلی شوک های اقتصادی ترکیه را باید فرار سرمایه و انتقال سود ناشی از سرمایه گذاری نهادهای مالی بین المللی به بانک های جهانی دانست (ویودا^{۱۴}، ۲۰۰۵). هر یک از مؤلفه های یادشده آثار اجتماعی و اقتصادی بحران سازی در ترکیه داشته است (انیس^{۱۵}، ۲۰۲۲: ۲۹).

فرصت جهانی شدن و همکاری ترکیه با سازمان تجارت جهانی

¹² Kardas

¹³ Telli, & Others

¹⁴ Voyvoda & Yeldan

¹⁵ Onis

بر اساس نظریات آزادسازی اقتصادی و ادغام در جهان در مکتب نوسازی، «نئولیبرالها معتقدند که اثر جهانی شدن مثبت است و سرانجام همه دولت‌ها از رشد اقتصادی که به وسیله نیروهای جهانی شدن تقویت می‌گردد، بهره‌مند می‌شوند» (استیون، ۱۳۵۹: ۶۳۷). در این رابطه، پیوستن ترکیه با سازمان تجارت جهانی در ۲۹ مارچ ۱۹۹۵ بوده است، یعنی تنها دو ماه پس از اینکه موافقتنامه تعرفه و تجارت (گات). به سازمان تجارت جهانی، تبدیل شد. ترکها همچنین با دقت توانسته‌اند به مدیریت جهانی شدن دست‌زند و از فرصت‌های به وجود آمده توسط جهانی شدن اقتصاد و این سازمان، همچون افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، درهای باز اقتصادی، کاهش تعرفه گمرکی، فعالیت پویا در سازمان تجارت جهانی و... برای توسعه خود استفاده کنند. طی دهه‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰، با استفاده از این روش، ترکیه در صنعت گردشگری، نساجی و پوشاک محصولات غذایی، پیشرفت بسیار عظیمی را به دست آورده است (کشیشیان، ۲۰۱۷).

دولت توسعه‌گرا و تحول در توسعه اجتماعی و اقتصاد سیاسی

شکست برخی دولتهای آفریقایی، آمریکای لاتین و بعضا آسیایی در پیشبرد توسعه اقتصادی، برخی نظریه‌پردازان را به این ایده سوق داده است که صرف پارامترهای اقتصادی، درست آنچه که نظریات اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک توصیه می‌کنند، قادر به راه‌انداختن موتور توسعه نیستند بلکه در کنار آن نهادهای سیاسی، حقوقی، فرهنگی و اقتصادی نیز در کارآمدی و موفقیت برنامه توسعه موثر هستند و چه بسا ممکن است اثرش بیشتر از پارامترهای اقتصادی باشد. عوامل نهادی نظیر قوانین اقتصادی، سیاستهای دولت اعم از داخلی و خارجی، نظام‌های حقوقی و غیره شکل‌دهنده محیطهای اقتصادی برای تولید و تجارت و ما توسعه اقتصادی هستند. مکتبی که در علم اقتصاد بر اهمیت نهادها تأکید دارد اقتصاد نهادگرا نامیده می‌شود. از نظر این مکتب، اگر زیرساخت‌های سیاسی، حقوقی و فرهنگی، سرمایه‌گذاری و تولید را تشویق کند موجبات توسعه و پیشرفت اقتصادی را فراهم شود. عواملی نظیر همسوزنبودن سیاست خارجی برای توسعه اقتصادی، سلب مالکیت، فساد اقتصادی و اداری، انحصار، ناامنی، شرایط سرمایه‌گذاری و تولید را شدید کاهش داده و موجب افت بهره‌وری عوامل تولید میشود (آذرمنند، ۱۳۹۵: ۱۲۱-۱۱۹).

جدول ۷: شاخص‌های شش‌گانه دیپلماسی اقتصادی ترکیه (امیدی، ۱۳۹۸).

مؤلفه‌های سیاست	مشخصه‌ها
خارجی دولت	

	توسعه گرا
افزایش تجارت خارجی	بین سیاست خارجی کارآمد، اقتصاد قدرتمند و تجارت خارجی قدرتمند همبستگی مثبت وجود دارد برخی مانند گرشن فدر ^{۱۶} اعتقاد دارند که، تاثیر صادرات بر رشد اقتصادی فقط محدود به افزایش تولید ناخالص داخلی ^{۱۷} نمی شود؛ چرا که مشارکت بیشتر رهبران دولتی و حکومتی در سیاست خارجی کشورهای شان و توجه ویژه آنها به تجارت و اقتصاد(نظیر کنونی دونالد ترامپ). باعث شده است تا بسیاری از تحلیل گران این دسته از رهبران را با فروشندگان مقایسه کنند(فدر ^{۱۸} ، ۱۹۸۲).
جذب سرمایه خارجی و گسترش پیمانکاری	سرمایه گذاری برون مرزی و صادرات خدمات فنی مهندسی و پیمانکاری خارجی، غیر از اینکه زمینه ساز قدرت نرم اکشور صادر کننده است بلکه باعث وابستگی متقابل بلند مدت و خلق ثروت ملی خواهد شد. . . - کشورهای تازه صنعتی فقط به جذب سرمایه گذاری خارجی مبادرت نکرده بلکه با انتقال سرمایه به خارج و اقدام به پیمانکاری خارجی، نهایتاً به تقویت تجارت خارجی یک کشور مبادرت می نمایند. این کار به خلق بازارهای جدید و اعمال قدرت نرم در کشورهای هدف می گردد
توافقات تجارت آزاد و ترجیحی	منظور توافقاتی است که بین کشورهایی که لزوماً در یک منطقه جغرافیایی نیز قرار ندارند، منعقد شده و شامل اقداماتی از جانب دولت‌ها میباشد که جهت تسهیل تجارت از طریق موافقتنامه های تجارت آزاد یا اتحادیه های گمرکی صورت می گیرد. - تلاش بر این است که شرایط سیستماتیکی برای استراتژی توسعه ملی از طریق چانه زنی ها و مذاکرات تجاری بین المللی از طریق توافقات تجارت آزاد و ترجیحی حاصل شود.
رابطه هماهنگ با همه	سیاست خارجی یک کشور همانند یک تاجر بتواند با همه مشتری های بالقوه رابطه برقرار کند و استراتژی کنشگر موفق این است که جذب سرمایه بیشتر را جدا از علاقه شخصی به دست آورد. این راهبرد تلاش داشته که با همه بازارهای بالقوه و دولت های مربوطه تعامل مثبت برقرار نماید، به عنوان نمونه، مهمترین رقیب یا حتی دشمن سیاسی چین در جهان آمریکاست. ولی پکن در سال ۲۰۱۷ حدود ۶۳۶ میلیارد دلار با آمریکا مبادله تجاری کالا داشته است.
تعامل مثبت با نهادهای اقتصادی	یک دولت از منابع و دستورالعمل های نهادهای تجاری و مالی بین المللی در راستای

¹⁶ Gershon Feder

¹⁷ gross domestic product

¹⁸ Feder

<p>چشم انداز تجاری و اقتصادی خود بهره برداری نماید. جدا از استقلال تصمیم گیری و دارا بودن قدرت سیاسی، تعامل سازنده با این نهادها بسیار کارانداز است.</p> <p>-نهادهایی چون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول از هم جهت مالی و هم از جهت کارشناسی می توانند موتور توسعه یک کشور را راه بیندازند. دولت ها در این راستا تلاش کرده در تصمیمات این نهادها در راستای منافع خود نفوذ کنند و این میسر نمی شود جز با تعامل مستمر با این نهادها.</p>	<p>بین المللی</p>
<p>طبقه بندی کشورها در مقولات مثبت و منفی تحت عنوان تصویر^{۱۹} یا ذهنیت^{۲۰} در روابط بین الملل مورد مطالعه قرار می گیرد. هر تصویر شامل اطلاعات شناختی از کشور دیگر در این زمینه ها می شود: فرهنگ، توانایی(نظامی، اقتصادی، امنیت، دمکراسی و غیره</p> <p>براساس نوع تصویر ارائه شده توسط کنشگران از خود و دیگران به تعامل با آن می پردازند. این تصاویر عموماً طی یک فرایند زمانی طولانی در ذهن افراد و رهبران شکل گرفته و افراد در مواجهه با موقعیت ها تنها از تصاویر و طرح واره های قبلا ساخته شده برای تصمیم گیری استفاده می کنند.</p> <p>این شاخص در زمره دیپلماسی اقتصادی رسمی قرار نمی گیرد بلکه به صورت غیر مستقیم در بازارهای هدف تاثیر مثبت می گذارد و عملاً نقش دیپلماسی اقتصادی غیر رسمی ایفا می کند.</p>	<p>ایجاد تصویر مثبت</p>

نتیجه گیری

شاخص توسعه اجتماعی شاخصی است که با دیدگاه اجتماعی و انسان محور وضعیت توسعه کشورها را اندازه گیری می کند. ایده اصلی گزارش شاخص توسعه اجتماعی این است که دیگر تولید ناخالص داخلی و دیگر سنجه های اقتصادی نمی تواند به تنهایی به عنوان معیاری کارآمد و جامع برای سنجش توسعه یافتگی کشورها استفاده شود. طبق این شاخص، توسعه اجتماعی عبارت است از «ظرفیت جامعه در برآوردن نیازهای اساسی شهروندان، ایجاد شرایطی که به شهروندان و اجتماعات محلی اجازه دهد کیفیت زندگی خویش را ارتقا داده و تثبیت کنند و به وجود آوردن موقعیتی که همه افراد بتوانند به همه ظرفیت ها و توانمندی های خود دست یابند. بر اساس نظرسنجی های موسسه گالوپ و مرکز تحقیقات

¹⁹ image

²⁰ mentality

پیو، داده‌های بانک جهانی، داده‌های سازمان بهداشت جهانی، داده‌های یونسکو و یونیسف شاخص توسعه اجتماعی عبارتند از:

- نیازهای اساسی انسانی^{۲۱}: تغذیه و مراقبت‌های پایه پزشکی، آب و بهداشت عمومی، سرپناه /مسکن، امنیت فردی

- بنیان‌های به‌زیستن/ به‌زیستی^{۲۲}: دسترسی به دانش پایه‌ای، دسترسی به اطلاعات و ارتباطات، سلامت و تندرستی، کیفیت محیط‌زیست

- فرصت‌ها^{۲۳}: حقوق فردی، آزادی فردی و حق انتخاب، مدارا و ادغام، دسترسی به آموزش عالی

نتایج رتبه‌بندی سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد، ایران با نمره ۶۷.۴ از ۱۰۰ در میان ۱۶۳ کشور جهان، رتبه ۹۳ را به خود اختصاص داده است. کشور ترکیه با نمره ۶۸.۲ در رتبه ۹۲ قرار دارد. در نمودار، شاخص توسعه اجتماعی از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ در دو کشور ایران، ترکیه مقایسه شده است. بر اساس مطالعات انجام شده مقایسه شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورهای ایران و ترکیه به شرح ذیل است:

جدول ۸: نقش توسعه اجتماعی بر توسعه اقتصادی ایران و ترکیه

²¹ Basic Human Needs

²² Foundations of Wellbeing

²³ Opportunity

متغیرها	ضرایب	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	۱/۳۴	۰/۱۲۱۱	۱۴/۶۶۵۵	۰/۰۰۰
LK _{1t} ?	۰/۰۹۸	۰/۰۱۱۰۱	۲/۱۵۶۸۷	۰/۹۳۰
LX _{2t} ?	۰/۱۳۰	۰/۰۱۲۱۳	۲/۳۴۱۲۰	۰/۰۰۱
Ll _{1t} ?	۰/۳۰۱	۰/۰۹۵۰۸	۰/۷۲۸۴۸	۰/۰۲۳
LH _{2t} ?	۰/۰۵۳	۰/۰۱۵۴۲۰	۱/۴۶۵	۰/۰۳۲
LE _{2t} ?	۰/۰۰۳	۰/۷۴۱۰	۱/۰۳۰۶۵	۰/۰۳۴
R-squared	۰/۸۱۰	Mean dependent var		۰/۲۴۶۳۰
Adjusted R-squared	۰/۸۰۴	S.D. dependent var		۰/۰۶۵۰۶
S.E. of regression	۰/۰۰۴۵	Sum squared resid		۰/۰۰۰۴۵
F-statistic	۴۵/۹۷۶۸۹	Durbin-Watson stat		۱/۸۱
Prob (F-statistic)	۰/۰۰۰			

متغیر سرمایه فیزیکی (LK)، متغیر صادرات (LX)، متغیر سرمایه انسانی در آموزش (LE)، سرمایه انسانی در بخش سلامت (LH)،

- شاخص توسعه اجتماعی مورد استفاده در تحقیق حاضر که از شاخص‌های مربوط به سلامت جمعیت و همچنین شاخص اصلی مربوط به مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، می‌باشد، شاخص سلامت است که در تحقیق حاضر، با متغیر امید به زندگی نشان داده شده است، ضریب مثبت و معنی‌دار این شاخص نیز نشان می‌دهد که افزایش امید به زندگی در کشورهای ایران و ترکیه، به میزان یک واحد، رشد اقتصادی این کشورها را به میزان ۱۰۵ واحد افزایش می‌دهد. به عبارتی بهبود شاخص‌های مراقبتی بهداشت و درمان در جمعیت کشور، رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی را افزایش میدهد.

- شاخص دیگر مربوط به توسعه اجتماعی که در این تحقیق از آن استفاده شده، شاخص جمعیت می‌باشد که در این تحقیق به منظور دادن وجه اقتصادی به آن، جمعیت جویای کار (که تلفیقی از شاخص جمعیت و اقتصاد هست)، در نظر گرفته شده است. ضریب این شاخص نیز مانند دو شاخص توسعه اجتماعی دیگر تحقیقی معنی‌دار و مثبت بوده و نشان می‌دهد که یک واحد افزایش در جمعیت جویای کار، رشد اقتصادی را به میزان ۰٫۳ درصد افزایش می‌دهد. به عبارتی، سرمایه‌گذاری روی جمعیت به لحاظ اقتصادی، رشد اقتصادی کشورها را بهبود می‌دهد. که این نتیجه نیز، به خوبی مؤید تحقیقات قبلی می‌باشد. با توجه

به نتیجه این بخش و بخش های قبل، به خوبی مشخص است که شاخص های سلامتی و اقتصادی جمعیت، مراقبت های بهداشتی و درمانی و استانداردهای زندگی به عبارتی شاخص های توسعه اجتماعی از عوامل اثر گذار در رشد اقتصادی کشورهای ایران و ترکیه، محسوب می شوند و به صورت میانگین یک واحد افزایش در شاخص های توسعه اجتماعی مورد استفاده در تحقیق حدود ۳۰۵ واحد رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه را بهبود می بخشد که این عامل به خوبی نشان دهنده تأثیر پذیری بالای رشد اقتصادی از توسعه اجتماعی در کنار فاکتورهای اقتصادی می باشد.

- بر اساس نتایج، افزایش در میزان جمعیت جویای کار، صادرات، امید به زندگی و آموزش، به بهبود رشد اقتصادی دو کشور کمک می کند به عبارتی ۱ درصد افزایش در لگاریتم جمعیت جویای کار حدود ۰٫۳ درصد رشد اقتصادی کشورهای ایران و ترکیه را افزایش می دهد. به همین ترتیب ۱ درصد افزایش در X و E ، به ترتیب حدود ۰٫۱۳ و ۰٫۰۵ و ۰٫۰۳ درصد، رشد اقتصادی این کشورها را افزایش می دهد. نتیجه مذکور، مؤید نتیجه تحقیقات پیشین در ارتباط با تأثیر شاخص های جمعیتی بر رشد اقتصادی (تحقیقات بلوم)، می باشد. چرا که بر اساس تحقیقات صورت گرفته، افزایش جمعیت در کشورهایی که جمعیت کاری و نه وابسته بیشتری دارند، رشد اقتصادی را بهبود می بخشد و این موضوع در کشورهای مذکور که جمعیت جوان و جویای کار بیشتری دارد، به وضوح به چشم می خورد. بعلاوه، این نتیجه تأیید کننده نتیجه تحقیقات دیگر، در ارتباط با تأثیر مثبت آموزش، امید به زندگی و صادرات را (به عنوان موتور محرکه رشد اقتصادی)، می باشد.

- نگاهی به ضرایب متغیرهای مذکور در نمونه مورد مطالعه نشان می دهد که متغیر جمعیت فعال جویای کار بیشترین تأثیر را در رشد اقتصادی کشورهای ایران و ترکیه داشته است که این به مفهوم تأثیر بالای عرضه نیروی کار و به عبارتی تأثیر بالای سرمایه گذاری اقتصادی روی جمعیت، در رشد اقتصادی این کشورها می باشد.

- تأثیر مثبت و معنی دار صادرات کالاها و خدمات در توسعه اقتصادی این کشورها، به خوبی نشان دهنده این است که، بهبود صادرات، همانطور که این متغیر را موتور رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه یافته معرفی می کند، در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار، نیز می تواند، محرک رشد اقتصادی به حساب آید و با ایجاد رقابت میان تولیدکنندگان داخلی و خارجی به بهبود کارایی کالاها نیز بینجامد.

مطالعات نشان می دهد روندهای توسعه اجتماعی ترکیه تحت تأثیر موج های آزادسازی اقتصادی انجام گرفته است. مشارکت ترکیه در اقتصاد جهانی زمینه لازم برای به کار گرفتن محدودیت های راهبردی از سوی اتحادیه اروپا در نگرش ساختاری ترکیه را اجتناب ناپذیر ساخته است. بومی سازی سیاست، دین و دموکراسی را می توان از شاخص هایی دانست که در موج دوم توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ترکیه شکل گرفته است. تحقق چنین فرایندی ناشی از کنش مرحله ای بازیگرانی است که موقعیت ساختاری خود را ارتقا داده اند و با ضرورت های اقتصاد سیاسی بین المللی هماهنگ شدند. فرایندها و شاخص های اصلی موج دوم بهره گیری از الگوی نئولیبرال در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی ترکیه بوده که با روندهای برگشت پذیر به سوی اقتدارگرایی پوپولیستی تغییر پیدا کرده است.

- موج دوم لیبرالیزه سازی توسعه اقتصادی و اجتماعی ترکیه را گروه های اسلام گرا انجام داده اند و از دهه ۱۹۶۰ به شکل تدریجی وارد فضای سیاسی ترکیه شدند.

- از دلایل اصلی هویت یابی و جایگاه یابی گروه های اسلام گرا در ساختار سیاسی ترکیه را باید عمل گرایی تاکتیکی دانست. گروه های اسلامی، با یکدیگر پیوند و تفسیر جدیدی از اندیشه های توسعه را ارائه دادند، به چنین رویکردی در رهیافت «نوسازی جدید» توجه می شود.

- روند نقش یابی گروه های اسلامی در ترکیه نه تنها به تضادهای امنیتی منجر نشد، بلکه نشانه هایی از انعطاف پذیری و سازش ساختاری در کنش نخبگان ترکیه شکل گرفته است؛ نخبگانی که توانستند روند غیر امنیتی سازی موضوع های اجتماعی ترکیه را شکل دهند و به این ترتیب نشانه هایی از همکاری و مشارکت رقابت آمیز نخبگان را به وجود آورند.

- در نگرش نوسازی گروه هایی که موج دوم توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ترکیه را به وجود آوردند، از مجموعه های نوگرا بودند و در پیوند با مذهب از موضوع های دیگری مانند فردگرایی لیبرالی، حقوق مدنی، آزادی عقیده و دموکراسی حمایت می کردند.

- تحول اقتصادی ترکیه در دوران ریاست جمهوری تورگوت اوزال زمینه افزایش مشارکت اقتصادی، و اجتماعی در ترکیه را امکان پذیر ساخت. در این دوران روند امنیتی سازی هویتی کردی و اسلامی کاهش پیدا کرده است و اندیشه هایی که باری بوزان و آلی ویور در ارتباط با غیر امنیتی سازی مطرح کردند، زمینه های لازم برای نقش یابی گروه های حاشیه ای در نظام اقتصادی و اجتماعی را به وجود آورد.

- رشد اقتصادی توسعه نئولیبرال در ساختار ترکیه تحت تأثیر مؤلفه های نهادی در اقتصاد جهانی قرار گرفته است. نهادهای اروپایی توانستند زمینه های لازم برای چند جانبه گرایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را ایجاد کنند و ایجاد تعادل در ساختار اجتماعی و افزایش مشارکت در ساختار سیاسی، زمینه های لازم برای افزایش تولید ناخالص داخلی ترکیه در مقیاس جی دی پی جهانی را به وجود آورده است.

- فعالیت های اقتصادی انجام شده در راستای موج دوم توسعه نئولیبرال معطوف به افزایش سهم ترکیه در صادرات اقتصاد جهانی شده است. در این فرایند کاهش نرخ تورم در اقتصاد ترکیه براساس سازوکارهای مشارکت با شرکت های چند ملیتی ایجاد شده است. در نتیجه چنین فرایندی، سرانه جی دی پی ترکیه نیز از سال ۲۰۰۲ به بعد افزایش پیدا کرده است. به این ترتیب، آثار افزایش درآمد اقتصادی را می توان در کنترل نشانه های امنیت اجتماعی مشاهده کرد.

منابع

- احمدی لفورکی، بهزاد(۱۳۹۸). ترکیه، حال و آینده، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
- امیدی، علی(۱۳۹۸). تحلیل رابطه سیاست خارجی توسعه گرایانه بر پیشرفت اقتصادی ترکیه(۲۰۱۷-۲۰۰۲). دوفصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، دوره دوم، شماره اول، صص ۳۰۲-۳۳۱.
- امیدی، رضا (۱۳۹۱). تحلیل برنامه های عمران و توسعه ایران از منظر مولفه های برنامه ریزی اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه ریزی و بودجه، سال هفدهم، شماره ۴، صص ۹۷-۱۱۴.
- آذرمنند، حمید. (۱۳۹۵). «نقش نهادهای سیاسی و حقوقی در توسعه اقتصادی». فصلنامه روند، شماره ۵۰، صص ۱۱۹-۱۶۵.
- سازمان برنامه و بودجه(۱۳۸۳). سیاست ها و رهنمودهای کلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، پیوست یک لایحه، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی(۱۳۸۳). قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران(۱۳۸۴-۱۳۸۸). تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- شادی طلب، ژاله (۱۳۸۱). توسعه و چالش های زنان ایران، تهران: قطره.
- کشیشیان، گارینه(۲۰۱۷). آثار سیاست دولت بر توسعه اقتصادی ترکیه و ادغام آن در اقتصاد جهانی(۱۹۹۰-۲۰۱۷)فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره هشتم، شماره اول، پیاپی ۲۷، صص ۹۷-۱۲۸.
- کوزه بالابان، حسن(۱۳۹۹). «سیاست خارجی ترکیه اسلام، ملی گرایی و جهانی شدن، ترجمه غلامرضا کریمی و داوود نظریور، تهران: انتشارات چاپخش.
- مرادیان، محسن(۱۳۹۴). برآورد استراتژیک ترکیه، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران .

موثقی، احمد (۱۳۹۷). زمینه های اجتماعی و اقتصادی موج دوم توسعه نئولیبرال در ترکیه. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۸، شماره ۳، صفحات ۷۷۱-۷۸۸.

واحدی، الیاس (۱۳۹۸). کتاب آسیا، ویژه مسائل ترکیه، تهران: موسسه فرهنگی. مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.

هال، آنتونی، میجلی، جیمز (۱۳۸۸). سیاست اجتماعی و توسعه، ترجمه مهدی ابراهیمی و علیرضا صادقی، تهران: جامعه شناسان.

منابع انگلیسی

- Barro, R. (2021). "Health and economic growth", Mimeo. Dge, MA: Harvard University World Health Organization, world Health Statistics, 2006.
- Bloom, D. , Canning, D. , Sevilla, J. ,(2021). Econoinic Growth and Demographic Transition
debt", Folia Economical Stetinensia, Vol. 10, No. 1, pp. 75-87.
- Guiso, L. , Sapienza, P. , Zingales, L. ,(2018). Does culture affect economic outcomes? The Journal of Economic Perspectives.
- Kardas, S. (2020), Human Rights and Democracy Promotion: The Case of Turkey EU Relation, Ankara: Kim Yayenlar.
- Onis, Z. (2013). The Triumph of Conservative Globalism: The Political Economy of the AKP Era. Turkish Studies, 13(2).
- Onis, Z. (2022), "The triumph of conservative globalism: the political economy of the AKP era", Turkish Studies, Vol. 13, No. 2, pp. 25-34.
- Onis, Z. and Bakir, C. (2021), "Turkey's political economy in the age of financial globalization: the significance of the EU anchor", South European Society and Politics, Vol. 12, No. 2, pp. 59-68
- Sachs, J. (2021). "Why is Turkey thriving?", Project Syndicate, Available at: <http://www.project-syndicate>.

org/commentary/inside-the-turkish-economic-miracle -by-
jeffrey-d -sachs, 8 Sep 2013.

- Telli, C. , Voyvoda, E. and Yeldan, E. (2018), "Macroeconomics of twin-targeting in Turkey: analytics of a financial computable general equilibrium model", *International Review of Applied Economics*, Vol. 22, No. 2, pp. 67-77,
- Voyvoda, E. and Yeldan, E. (2020), " Turkish macroeconomics under the IMF program: strangulation of the twin-targets, 'lopsided growth and persistent fragilities", Available at: [http://www. Bagimsizsosyalbilimciler. Org/Yazilar_Uye/Vydec05. pdf](http://www.Bagimsizsosyalbilimciler.Org/Yazilar_Uye/Vydec05.pdf), 25 July 2005.
- Yavuz, H. ,(2020), "Political Islamı and the Welfare Party in Turkey", *Comparative Politics*, Vol. 30, No. 1, pp. 65-76.